

تأثیر تدریس مبتنی بر قصه‌گویی خلاق بر یادگیری فعال و کاهش اختلال‌های روانشناختی کودکان

امیرحسین مهدی مقدم^۱، شقایق جمشیدی عزیزآبادی^۲، زهرا رهسپار^۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیر تدریس مبتنی بر قصه‌گویی خلاق بر یادگیری فعال و کاهش اختلالات روانشناختی کودکان پرداخته است. انتخاب روش قصه‌گویی بین انواع روش‌های مختلف به دلایل مختلفی از جمله تأثیر بیشتر روش‌های غیرمستقیم بر یادگیری، همچنین قدمت تاریخی آن و موفق بودنش در آزمایش‌های طول زمان که باعث ماندگاری آن بعد از این میزان زمان شده است و نیز به دلیل پرورش قدرت تخیل و ابتکار و نوآوری و قرار گرفتن در دسته روش‌های درمانی اختلالات یا مشکلات رفتاری بخصوص کاربردی‌تر بودن در دوره کودکی بعنوان موضوع مورد مطالعه در این مقاله قرار گرفته است و از اهمیت بالایی برخوردار است. روش تحقیق در مقاله پیش‌رو مروری-کتابخانه‌ای می‌باشد و برای گردآوری مطالب آن از مقالات، کتاب‌ها و دیگر منابع معتبر و مرتبط با این موضوع استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که استفاده به موقع و درست از قصه می‌تواند در یادگیری بیشتر کودک، افزایش خلاقیت و کاهش خصیصه کمرویی همچنین کاهش اختلالات یا مشکلات رفتاری همچون استرس و اضطراب، پرخاشگری و افسردگی شود.

واژگان کلیدی: قصه‌گویی خلاق، یادگیری فعال، اختلال روانشناختی، دانش‌آموزان

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان امام رضا (ع) اندیمشک amoghadam263@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه زهرا (س) اصفهان

مقدمه

تعاریف گوناگونی از قصه بیان شده است غالباً قصه‌ها افسانه‌هایی هستند که از افکار گویندگان آنها براساس زندگی واقعی همراه با تخیل و گاه آرمان‌گرایی ساخته می‌شوند عبارت دیگر از حوادث یا وقایع غیرمنتظره ساخته می‌شوند. قصه‌گویی قدیمی‌ترین شکل ادبیات است و قدمت آن به قدمت پیدایش زبان و گویایی انسان می‌باشد، برخی نیز قدمت آن را حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح معرفی کرده‌اند همچنین پژوهشگران متعددی نیز در ارتباط با نخستین سند مکتوب که در آن به نوعی قصه‌گویی اشاره کرده است می‌گویند، به پاپیروس مصری معروف به «وستکار» نسبت دارد که به ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مربوط می‌شود. قصه با تمام قدمت خود تغییر چندانی نکرده است و از دیرباز به یک شکل و یک زبان نقل می‌شد. قصه‌ها به شکل نثر و نظم دیده می‌شوند و طرح آنها تقریباً ثابت است. علیرغم وجود رسانه‌های جمعی فراگیر هنوز پا برجاست و از آن استفاده‌های بسیاری می‌شود. قصه‌گویی تنها برای سرگرمی نیست بلکه برای افزایش تخیل و خلق دنیای تخیلی است، همچنین قصه‌گویی یک فعالیت هنری محسوب می‌شود و قصه‌گو هنرمندی است که مردم دوران مختلف را با دنیا و جهان خود همراه می‌سازد. زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها، آموزش و اشاعه اصول انسانی است. دستاوردهای پژوهش‌های آموزشی، نشان می‌دهد که قصه‌گویی در رشد عاطفی، ذهنی، هنری و فکری کودکان و نوجوانان بسیار تأثیرگذار است. حتی دستاوردهای علمی جدید ثابت می‌کند قصه‌گویی، در درمان و رشد دانایی‌ها موثر است. در بسیاری از کشورهای جهان دوره‌های آموزشی رسمی، برای تربیت قصه‌گویی تأسیس شده است. تاریخچه آموزش رسمی قصه‌گویی، نشان می‌دهد اولین دوره آموزش آکادمیک قصه‌گویی، در مدرسه آموزش کتابداری کارنگی، برای کتابداران کودک در پستبورگ در سال ۱۹۰۰ میلادی در آمریکا راه‌اندازی شد. مدارس قصه‌گویی زمانی در ایران بوده است اما اکنون تعداد اندکی از آنان باقی است. به جزء انتخاب قصه و آماده کردن آن، روش قصه‌گویی مانند: شیوه درست نشستن، استفاده مناسب و به اندازه و به جا از ابزار و صورت و حرکات دست، انتخاب صحیح کلمات، زبان بدن و ... نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد.

قصه‌گویی را می‌توان ابزاری قدرتمند در امر آموزش کودکان دانست. قصه‌گویی روشی برای غنای آموزش زیبایی‌شناسی به کودکان می‌باشد؛ در ادبیات سبب رشد زبان می‌شود، در علوم اجتماعی سبب آشنایی کودکان با قوام و ملل و فرهنگ‌های گوناگون می‌شود به دلیل امکان سفر تاریخی که از طریق ارتباط به شکلی خلاقانه با جامعه فراهم می‌کند، در علوم با زندگینامه و کارهای دانشمندان و مخترعان و مکتشفان آشنا می‌شوند و ... قصه‌گویی انواع مختلفی همچون هیچانه، معمایی، آموزنده و ... دارد. قصه بیش از دیگر وسایل تربیتی به شرط درست و دقیق انتخاب کردن آن در رفتار کودک موثر می‌باشد. قصه‌ها از دیرباز در انتقال ارزش‌ها و مفاهیم تربیتی به کودکان موثر بوده‌اند. در بین روش‌های گوناگونی که برای تدریس وجود دارد قصه‌گویی به دلیل

ایجاد خلاقیت و غیرمستقیم بودن آن همچنین به دلیل سربلند بیرون آمدن از بوته آزمایش زمان جزء روش‌های تدریس خوب محسوب می‌گردد. باتوجه به اهمیت این روش در این پژوهش به قصه‌گویی می‌پردازیم و مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تدریس مبتنی بر قصه‌گویی خلاق و افزایش یادگیری فعال همچنین کاهش اختلالات روانشناسی کودکان ابتدایی می‌باشد.

۱- پیشینه پژوهش

- خدام و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان اختلالات رفتاری و برخی عوامل مرتبط با آن در کودکان سن مدرسه شهر گرگان (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیده‌اند که درصد قابل توجهی از کودکان سنین مدرسه و قبل از مدرسه دچار مشکلات رفتاری هستند، منظور از مشکلات رفتاری، کلیه رفتارهای تکراری، غیرعادی و آزار دهنده نظیر مکیدن انگشت، ناخن جویدن، تیک، لکنت زبان، کتک‌کاری، قشقرق راه انداختن و ... است که باعث اختلال در کارکرد فرد و خانواده شده و آثار منفی بر یادگیری، ارتباط و کارایی اجتماعی آنان دارد. بنابراین مساله مشکلات رفتاری کودکان مستلزم توجه ویژه دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت می‌باشد. همچنین شواهد موجود نشان می‌دهد بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری بصورت خفیف در کودکان وجود دارد اما هنگام بروز چالش‌ها و مشکلات مختلف همچون طلاق والدین، بیکاری سرپرست خانواده، مرگ، اعتیاد و پرخاشگری والدین، سختگیری والدین درخصوص نمره، مشکلات مدرسه و ... تشدید شده و ظاهر می‌شود. ۱۷۵ تشخیص و درمان مناسب و به موقع این مشکلات می‌تواند آینده زندگی شغلی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی این کودکان را بسیار تحت تاثیر قرار دهد و در صورتی که به موقع تشخیص داده نشود و درمان نشود؛ تاثیرات نامطلوبی همچون اعتیاد، عدم تبعیت از والدین، افت تحصیلی، پرخاشگری، اضطراب و استرس و ... می‌گذارد. باتوجه به افزایش چالش‌ها و مشکلات ذکر شده در عصر حاضر سبب نگرانی خانواده‌ها از مشکلات روانی و رفتاری کودکان‌شان و تأثیر این مشکلات بر یادگیری آنان شده است. یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین محیطی که برای یادگیری کودکان وجود دارد مدرسه و هسته آن نیز معلم می‌باشد. با نهادینه شدن نقش نظام آموزش و پرورش در رشد جوامع، تلاش‌های فراوانی از طرف متخصصان به خصوص معلمان برای علمی و پویا کردن آن آغاز شده است. یکی از بزرگترین اهداف و تلاش‌های هر مربی یادگیری متری است و در کلاس درس باتوجه به وجود افراد با ویژگی‌های جسمی و روانی مختلف این امر را دشوار کرده است و مشکلات رفتاری و روانی دانش‌آموزان نیز مانند مانعی بر سر راه یادگیری بهتر قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های روان درمانی که به‌خصوص در سنین کودکی کاربرد بیشتری دارد استفاده از روش قصه درمانی است که خود به دلیل افزایش خلاقیت و انگیزه دانش‌آموزان باعث یادگیری بهتر آنان می‌شود.

- رادبخش و همکاران در مقاله تحت عنوان اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان (۱۳۹۲) بیان کردند که قصه یک روش فعال برای پرورش قوه خلاقیت و تفکر، بالا بردن سطح تفکر شناختی محسوب می‌شود. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که قصه‌گویی بعنوان ابزاری مطمئن در خدمت آموزش و پرورش می‌باشد و همچنین می‌توان از آن برای انعکاس دیدگاه انسان درباره جهان دانست و همچنین با جدا کردن کودکان و قصه‌گویی از یکدیگر قدرت تخیل آنان تضعیف می‌یابد.

۲- افزایش تأثیر یادگیری متربیان

استفاده از شیوه‌های مبتنی بر تجربه یادگیرندگان به‌خصوص در سنین ابتدایی که بیشتر تفکر عینی دارند و از طریق مثال‌های عینی که قبلاً تجربه کردند درک بیشتری از موضوع دارند می‌توان باعث تأثیر مثبت و کاربردی‌تر در یادگیری متربیان شد؛ این امر تنها با بکارگیری روش‌های فعال یادگیری امکانپذیر می‌باشد.

رویکردهای فعال یادگیری شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- دانش‌آموزان بطور فعال با یادگیری درگیر می‌شوند؛
- ۲- فرآیند یادگیری از علائق، خواسته‌ها و ادراکات یادگیرندگان سرچشمه می‌گیرد؛
- ۳- محیط یادگیری بنحوی سازمان می‌یابد که در آن یادگیری دانش‌آموز محور، جریان می‌یابد؛
- ۴- تجارب یادگیری بنحوی سازمان می‌یابد که یادگیرنده را در روشن‌سازی و بیان نیازهایشان کمک می‌کند؛
- ۵- هر دانش‌آموزی می‌تواند براساس تجارب و اطلاعات خود در یادگیری نقش مهمی را ایفا نماید؛
- ۶- معلم به همان اندازه از دانش‌آموزان یاد می‌گیرد که هر دانش‌آموز از وی و سایر دانش‌آموزان یاد می‌آموزد؛
- ۷- در این نوع یادگیری، استقلال یادگیرنده مهمترین رکن در یادگیری تلقی می‌شود؛
- ۸- مفیدترین و متداول‌ترین ابزار برای بررسی میزان پیشرفت یادگیرنده در ارزشیابی، خود او می‌باشد؛
- ۹- مسئولیت و کنترل یادگیری بین یادگیرنده و عوامل خارجی (معلم، کتاب درسی و ...) تقسیم می‌شود؛
- ۱۰- مسئولیت آموزش دهنده (معلم) یا هر عامل خارجی دیگر فقط تسهیل کننده، فرایند یادگیری می‌باشد؛
- ۱۱- در این نوع یادگیری نهایتاً فرایند یادگیری تبدیل به فرایند رشد و تکامل یادگیرندگان می‌گردد (ذکر یابی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶).

پس باید از طریق تدریس مناسب و متنوع و فعال مهارت‌های اساسی نظیر ادراک صحیح مطلب، قدرت پیش‌بینی و مقایسه، ارزیابی امور، پرورش قوه ابتکار و نوآوری، کسب نگرش‌های اساسی، رشد تفکر انتقادی و قدرت استنباط و تحلیل پدیده‌ها را در متربی پرورش داد.

دانش‌آموزان دوره ابتدایی متربیانی هستند، که هنوز شخصیت اصلی آنها شکل نگرفته است پس نوع آموزش در این دوره و به تبع آن یادگیری این متربیان در این دوره می‌تواند تأثیر عمیقی در عملکرد آینده آنان هم

از نظر کیفی و هم از نظر کمی بگذارد؛ در نتیجه نوع آموزش این دوره تحصیلی باید از فعالیت‌های اصلی هر نظام آموزشی باشد. انتخاب شیوه و روش مناسب تدریس و استفاده از ابزار مناسب باعث افزایش یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود.

۳- قصه‌گویی خلاق

استفاده از ابزاری چون هنر در تدریس می‌تواند سبب رشد استعداد‌های مختلف از جمله استعداد خلاقیت متربیان در مقطع ابتدایی شود. مربیان نقش زیادی برای رشد یا سرکوبی خلاقیت دانش‌آموزان دارند. معلمان می‌توانند شیوه تفکر خلاق و راه تقویت توانایی‌های خلاقانه را به افراد و بویژه کودکان و نوجوانان بیاموزند زیرا فرض بر این است که کودکان دارای اشتیاق ذاتی برای کشف هستند که آموزش باید آن را تغذیه کند (رادبخش، محمدی‌فر کیان ارشی، ۱۳۹۲: ۴).

یکی از فعالیت‌های هنری استفاده از هنر قصه‌گویی خلاق می‌باشد. منظور از قصه‌گویی خلاق یک ارتباط دوجانبه و متقابل بین قصه‌گو و شنونده قصه است که قصه‌گو با بهره‌گیری از فنون قصه‌گویی و با تحریک قوه تخیل مخاطبان خویش و تأثیر متقابل، پیام خود را به شکل جدیدتری به شنوندگانش انتقال می‌دهد (ذکریایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰).

قصه‌گویی بعنوان روشی غیرمستقیم برای ارائه چارچوبی برای آموزش و ارتقاء خودفهمی، کارایی و وحدت دادن به تجارب می‌تواند در سلامت کودکان و نوجوانان نقشی موثر داشته باشد (گنجی و امیریان، ۱۳۹۱: ۱). با ایجاد محرک‌های طبیعی مثل قصه‌گویی و قصه‌خوانی از آغاز دوره کودکی به بچه‌ها کمک کنیم تا نسبت به شناخت محیط پیرامون خود با توجه به میزان توانایی‌شان از مفاهیم درک علمی دست یابند و با تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی آشنا شوند. از بازی تا ورزش تا آشنایی با هنرهای موسیقی و ادبیات و اخلاق اجتماعی، حتی پاره‌ای از مفاهیم علمی و تاریخ فرهنگ بشری. باید از قصه‌گویی بعنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم و متناسب با دنیای کودکی و نوجوانی بصورت آزاد و داوطلبانه با روش‌هایی از پیش تعیین شده و کلیشه‌ای سلطه‌گرایانه بهره گرفت. خلاقیت در فضایی آزاد و به دور از هرگونه اعمال عقیده و اجبار به وجود می‌آید و آزادی در انتخاب موضوع و نوع قصه زمینه رشد خلاقیت را فراهم می‌سازد و گرنه انتخاب از پیش تعیین شده چنانکه در کتاب درسی جدید در چارچوبی مشخص و تکلیف شده نه تنها خلاقیتی را به وجود نمی‌آورد بلکه توانایی یادگیری کودک و نوجوان را نیز به هدر داده و میل و رغبت او را به مطالعه و یادگیری نیز از بین می‌برد.

قصه‌گویی با بیدار کردن نیروهای درونی کودک، بطور غیرمستقیم او را از موانع، تضادها و نیز امکانات و استعدادهایش آگاه می‌کند و وی را به تفکر، تعمق و جستجو وامی‌دارد و از این‌رو در درمان و بهبود بسیاری از اختلالات رفتاری و خلقی موثر می‌باشد (لویمی و صفرزاده، ۱۳۹۵: ۲).

قصه‌گویی یک شیوه تربیتی در مورد کودکان محسوب می‌شود پس می‌توان آن را یک نوع ابزار برای اصلاح رفتار کودکان به شمار آورد. برای این منظور می‌توان از قرآن نیز الگو گرفت که زبان آن زبان قصه است برای نفوذ بیشتر و جاذبه نکات تربیتی و هدایت‌کننده آن می‌باشد.

قصص قرآن مفاهیم ارزشمندی را در بر دارند که بر جوانب مختلف تحول کودکان تأثیر دارد و چنانچه انتخاب قصه و به چالش کشیدن مفاهیم برگرفته از آن، مطابق با ظرفیت‌های آن باشد، موجب می‌شود تا کودکان بیشتر بتوانند با دین ارتباط برقرار کنند و آموزه‌های دینی را بهتر درک کنند (درستی و زارعی، ۱۳۹۶: ۳).

قصه نویسنده مشخصی ندارد نوعی روایت خواندی یا شنیدنی است در واقع محصول ذهنیت جمع می‌باشد و بصورت شفاهی به وجود می‌آید و می‌توانیم با توجه به نیازها و شرایط و موقعیت و زمان و مکان آن را تغییر داد، جدید کرد و آرزوها و ایده‌هایمان را در قالب آن بیان کنیم. با توجه به سخن افلاطون: «پرورشی که روح اطفال بوسیله قصه‌ها به دست می‌آورند به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها از طریق ورزش پیدا می‌کند» می‌توان به اهمیت تأثیر استفاده از قصه در آموزش پی برد.

پس می‌توان گفت تدریس مبتنی بر قصه‌گویی سبب افزایش سیالی (روانی)، بسط یا توضیح، ابتکار، انعطاف-پذیری، خلاقیت دانش‌آموزان و ترویج و بحث و تبادل نظر بین افراد می‌شود و این امر سبب درگیر شدن ذهن مرتبی با تدریس و فعالیت و پویایی در کلاس می‌شود. همچنین براساس شواهد به دست آمده و مطالعات صورت گرفته شده قصه باعث کاهش استرس، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و کمروبی یادگیرندگان می‌شود. از آنجا که جهان هستی پیوسته در حال دگرگون شدن است و سیر تحول آن از کهنه به نو است، تحول هر پدیده یا فرآیندی از شکلی به شکلی از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر با پیروی از قوانین حاکم بر تحول پدیده‌ها دارای کنش و واکنشی متقابل و پیوستگی و همبستگی متقابل می‌شود، نمود آن‌ها نیز در زمان و مکان‌های متفاوت در روندی عینی و گریزناپذیر از ساده به سنجیده، از بسط به مرکب، از کمیت به کیفیت از ذات به محص، از کثرت به وحدت و از وحدت به کثرت و بالاخره از پست به عالی است و این روند همواره وجود دارد و پیوسته رو به کمال و تعالی می‌رود.

هنر قصه‌گویی ناگزیر برای تبدیل شدن به روش آموزشی خلاق باید از این قانون پیروی کند تا بتواند به بازسازی و نوسازی خود بپردازد. چنین دگرگونی می‌تواند هنر قصه‌گویی را بعنوان کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین و در دسترس‌ترین روش آموزشی برای همه دوره‌های سنی حتی سالمندان تبدیل کند و این هنر می‌تواند در

همه مکان‌ها و در تمامی فصول سال برای آموزش مفاهیم علمی و انتقال تجربه‌های با ارزش زندگی اجتماعی مورد بهره‌برداری عموم قرار گیرد.

هنر قصه‌گویی می‌تواند با بهره‌گیری از امکانات موجود با تمامی اشکال گوناگون خود، از خواندن قصه، یا بیان قصه فی‌البداهه تا استفاده از تصاویر و شکل و عروسک‌ها و بازی زنده نمایش، فیلم ... با توجه به نوع پیام یا محتوای خود و متناسب با شرایط مخاطب کاربردی رسمی و غیررسمی داشته باشد (لویمی و صفرزاده، ۱۳۹۵: ۵).

۴- بررسی برخی از اختلالات روانپزشکی

۴-۱- پرخاشگری

گروهی از صاحب‌نظران علوم رفتاری نظیر فروید معتقدند که پرخاشگری رفتاری است که ریشه در ذات و فطرت انسان دارد. این دو معتقدند که پرخاشگری بعنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است که به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می‌کند. به نظر آراد اگر این انرژی به شکلی مطلوب و صحیح مثلاً در طرق ورزش‌ها و بازی‌ها تخلیه شود جنبه سازنده خواهد داشت. در غیر اینصورت بگونه‌ای تخلیه می‌شود که مخرب خواهد بود و ممکن است اعمالی از قبیل قتل، ضرب و شتم، تخریب و نظایر آن را دربرداشته باشد. از نظر غمخوار پرخاشگری در انسان نماینده غریزه مرگ است که در مقابل غریزه زندگی در فعالیت است، یعنی همچنان که غریزه زندگی ما را در جهت ارضای نیازها و حفظ هدایت می‌کند غریزه مرگ بصورت پرخاشگری می‌کوشد به نابود کردن و تخریب کردن بپردازد این غریزه چنانچه بتواند دیگران را نابود می‌کند و از بین می‌برد و اگر نتواند دیگران را هدف پرخاشگری و تخریب خود قرار دهد به جانب خود متوجه شده و بصورت خودآزاری و خودکشی جلوه‌گر می‌شود، بنابراین از نظر وی پرخاشگری حالتی مخرب و منفی دارد. این رفتارها در جانوران باعث بقای آن‌ها می‌شود ولی در زندگی فردی و اجتماعی انسان پیامدهای مخربی را به دنبال دارد. یکی از شایع‌ترین مشکلات رفتاری کودکان پرخاشگری است. کودکان پرخاشگر اغلب تمایل دارند این رفتار را در دوره بزرگسالی ادامه دهند. پرخاشگری به حملات عمدی آزار دهنده و مضر برای قربانی بروز می‌کند که به شکل پرخاشگری فیزیکی (جسمانی) نظیر زدن، هل دادن، لگد زدن، پرتاب اشیا و تهدید و ترس و یا محرک‌های تحریک کننده توام با عناد و دشمنی و یا به شکل بیش فعال به معنای حضور رفتار پرخاشگرانه در غیاب محرک اما به قصد اذیت و غلبه و زور تعریف شده است. پرخاشگری واکنشی و پرخاشگری بیش فعالی در برگیرنده رفتارهای کنترل شده توام با عناد می‌باشد و

پرخاشگری رابطه‌ای دارای الگوی رفتاری مشابه پرخاشگری جسمانی است که منجر به نوعی آسیب و صدمه به دیگران از طریق روابط می‌گردد (نصیرزاده و روشن، ۱۳۸۹: ۲).

پیامدهای نامطلوب رفتارهای پرخاشگرانه، محدودیت‌های کلامی کودکان، محدودیت‌های مربوط به استفاده از دارو در روانپزشکی اطفال و نیز هزینه‌های گزاف روان درمانی کودکان برای بسیاری از خانواده‌ها، ضرورت توجه و پرداختن به درمان‌های غیردارویی و ارزان‌تر، که قادر باشد مورد اقبال خانواده‌ها قرار گیرد را خاطر نشان می‌سازد. از یکسو، یافته‌ها مبین این است که پرخاشگری و رفتارهای پرخاشگرانه تاثیرات بلندمدت و جبران‌ناپذیری بر کودکان دبستانی به جای می‌گذارد (چگنی، ۱۳۹۵: ۲).

از کاربردهای قصه درمانی، کاهش پرخاشگری به‌خصوص در کودکان به دلیل شرایط خاص دوره کودکی، از نظر روانشناختی، می‌باشد. طبق گزارشات یکی از راه‌های امن نگه داشتن درمان، مشارکت فعال درمانگر در چارچوب مشخص شده است. استفاده از بحث و کاوش در کلاس و ایجاد آن بعد از نقل قصه در کاهش رفتارهای چالش‌انگیز کودکان مفید است. در واقع معلم با این امر سبب کاهش پرخاشگری کودک در نتیجه افزایش یادگیری او می‌شود.

۴-۲- افسردگی

از دیگر مشکلات روانپزشکی کودکان افسردگی است که یک اختلال جدی و عود کننده است این اختلال رشدی گذرا نمی‌باشد و تمایل به مزمن شدن دارد. به دلیل آثار نامطلوب این نوع مشکل باید سعی در برطرف شدن آن در سن کودکی داشت. می‌توان از قصه درمانی بعنوان یک روش روان درمانی استفاده کرد که باعث حل مشکلات رفتاری همچنین فرصتی برای تغییر رفتار و ایجاد روابط با دیگران برقرار می‌کند. با وجود انواع افسردگی کودکان و نوجوانان، اختلال افسردگی اساسی از مهمترین مواردی است که درخصوص کودکان مطرح می‌شود و همانند اختلال افسردگی اساسی بزرگسالان ناتوان کننده است (شیبانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳). کودک افسرده ممکن است تحریک پذیر یا بی‌علاقه شود و از خیلی چیزها لذت نبرد یا هر دو حالت را داشته باشد. در ضمن کودک باید حداقل چهار مورد از نشانه‌های زیر را تقریباً هر روز داشته باشد و برخی از کارکردهای مهم او مختل شود:

- لاغر شدن و نرسیدن به وزن مورد انتظار؛
- اختلال در خواب (پرخوابی یا بی‌خوابی)؛
- کندی یا تحریک روانی _ حرکتی شدید؛
- خستگی یا کم انرژی بودن؛
- احساس بی‌ارزش بودن یا احساس گناه بی‌جا و افراطی؛

- افت توانایی تفکر، تمرکز و تصمیم‌گیری؛

- افکار تکراری در مورد مرگ و خودکشی (شیبانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴).

درمان کودکان افسرده باتوجه به میزان مرگ و میر ناشی از آن یک موضوع چالش‌انگیز در عرصه روانشناسی بالینی می‌باشد. روان درمانی و دارو درمانی برای کودکان مناسب شمرده شده است. روش روان درمانی برای کودکان افسرده مقدم بر دارو درمانی است. در کلاس درس‌های کنونی امکان وجود دانش‌آموزانی دارای اختلال افسردگی به دلیل چالش‌ها یا بحران‌ها وجود دارد و معلم برای داشتن تدریس تأثیرگذار و یادگیری بیشتر مربیان باید در تدریس خود به این دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشد. قصه درمانی علائم افسردگی، اضطراب و هراس را در کودکان افسرده کاهش می‌دهد. بعنوان یک روش روان درمانی می‌توان از آن استفاده کرد.

افسردگی حالتی خلقی شامل بی‌حوصلگی و گریز از فعالیت یا بی‌علاقگی و بی‌میلی است و می‌تواند بر افکار، رفتار، احساسات و خوشی و تندرستی یک فرد تأثیر بگذارد. و همچنین گفتگوهای ذهنی بوجود می‌آورد. افراد افسرده هم می‌توانند احساس ناراحتی، اضطراب، پوچی، ناامیدی، درماندگی، بی‌ارزشی، شرمساری یا بی‌قراری داشته باشند. ممکن است آن‌ها اشتیاق خود در انجام فعالیت‌هایی که زمانی برایشان لذت‌بخش بوده از دست بدهند، نسبت به غذا بی‌میل و کم‌اشتها شوند، تمرکز خود را از دست بدهند، در به خاطر سپردن جزئیات و تصمیم‌گیری دچار مشکل شوند، در روابط خود به مشکل، برخورد کنند و به خودکشی فکر کرده، قصد آن را داشته باشند و حتی خودکشی کنند. اختلال افسردگی، ممکن است که باعث بی‌خوابی، خواب زیاد، احساس ۱۸۱ خستگی و کوفتگی، مشکلات گوارشی، یا کاهش انرژی بدن شود.

افسردگی یکی از ویژگی‌های برخی از نشانگان روانی از جمله، اختلال افسردگی اساسی است؛ اما ممکن است که یک واکنش طبیعی به رویدادهای زندگی، مانند مرگ نزدیکان، اثرات بیماری‌های بدنی یا عوارض جانبی مصرف بعضی از داروها و درمان‌های پزشکی باشد، البته تا هنگامی که این حالت در یک مدت زمان طولانی، باقی نمانده باشد. یک تشخیص راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، افسردگی به شکل یک عادت- که فرد می‌تواند بعنوان بخشی از زندگی خود تجربه کند را متمایز می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اختلالات افسردگی بویژه در وضعیت پیشرفته، از دست دادن قدرت تفکر سالم، راحت، خلاقانه یا حتی درست تمرکز کردن است که در مراتب بالاتر و در افسردگی‌های حاد، اختلال تشدید می‌شود و باعث مواردی مثل جنون می‌شود. شکل دیگری از این حالت افسردگی فصلی است، افسردگی فصلی گونه‌ای اختلال عاطفی است، که ریشه در تغییر فصول دارد. معمولاً افراد در فصل‌های به‌خصوصی بویژه در پاییز، زمستان و بهار دچار عوارض ناشی از آن می‌شوند. افسردگی فصلی گونه‌ای اختلال عاطفی است، که ریشه در تغییر فصول دارد. معمولاً افراد در فصل‌های به‌خصوصی بویژه در پاییز، زمستان و بهار دچار عوارض ناشی از

آن می‌شوند. همچنین افسردگی را می‌توان در نتیجه تضعیف ذهن در برابر حل مسائل، ارائه فلسفه‌ها و ... برای کنار آمدن با مشکلات روح باشد که ذهن اصطلاحاً تسلیم می‌شود و دیگر امیدی ندارد و در نتیجه افسردگی حاصل می‌شود.

۴-۳- اضطراب

استرس و اضطراب در لغت جنبیدن، لرزیدن، تپیدن، پریشان‌حال شدن، یکدیگر را با چیزی زدن، به هم واگرفتن، آشفتنگی، بی‌تابی، ناآرامی است؛ این‌ها کلماتی هستند که در زندگی روزمره، برای توصیف حالات، احساسات و هیجانات استفاده می‌شوند. بطور مثال: هنگام سخنرانی در برابر جمع، هنگام امتحان، به خاطر مشکلات مالی، به دلیل تأخیر سر یک قرار و ... اما هنگامی که از این دو کلمه استفاده می‌کنیم، توجه چندانی به تفاوت موجود میان آن دو نداریم؛ بعنوان مثال: هنگام سخن گفتن از مشکلات روانی شایع در کودکان و نوجوانان، باید دقیق بود و تفاوت میان استرس و اضطراب را به خوبی درک کرد. در روان‌شناسی، اضطراب مرحله پیشرفته استرس مزمن است و هنگامی بصورت یک مشکل بهداشت روانی در می‌آید که مثلاً برای فرد یا اطرافیانش رنج و ناراحتی به وجود آورد یا مانع رسیدن شخصی به اهدافش شود و همچنین مواقعی که انجام کارهای روزانه و عادی مختل شوند.

اضطراب هنگامی در فرد بروز می‌کند که شرایط استرس‌زا در زندگی او بیش از حد طولانی شود یا بطور مکرر رخ دهد، همچنین اگر دستگاه عصبی بدن نتواند به مرحله مقاومت تنیدگی پایان دهد و بدن برای مدتی طولانی همچنان بسیج باقی بماند، در این صورت بدن فرسوده و در برابر بیماری‌های جسمی و روانی (مانند اضطراب) آسیب‌پذیر می‌شود.

یکی دیگر از اختلالات اختلال اضطرابی است که نسبتاً در دوره کودکی شایع می‌باشد و میزان شیوع آن با سن افزایش می‌یابد. این اختلالات در دختران از پسران شایع‌تر است. سن شروع اختلالات اضطرابی پایین و سیر آن مزمن است.

اضطراب احساس مبهم ترس یا هراس و پاسخ به محرک‌های داخلی و خارجی است که می‌تواند علائم رفتاری، شناختی و فیزیکی داشته باشد و شایع‌ترین واکنش روانی هنگام استرس است که بطور معمول همه انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند و اغلب قبل از تجربه جدید درک می‌شود و بعنوان تهدیدی برای هویت و اعتماد به نفس به‌شمار می‌آید (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اضطراب کودکان با نگرانی‌های آن‌ها رابطه معنادار دارد. بیشترین نگرانی در کودکان ۷ تا ۱۲ ساله به سه حیطة مدرسه، سلامتی و آسیب شخصی مربوط است (یوسفی لویه و دلاور، ۱۳۸۷: ۲). یکی از مسائل در بحث درمان این نوع اختلالات این است که کودکان خود کمتر به دنبال درمان

هستند و بیشتر بزرگسالان دنبال درمان آن اختلال در کودک هستند به همین دلیل انگیزه کودک برای درمان بسیار پایین است پس همکاری او نیز پایین می‌باشد پس ایجاد رابطه درمانی با او بسیار دشوار است. در نتیجه باید سعی کرد راهی انتخاب کرد که بتواند انگیزه کودک را برانگیزد و باعث مشارکت فعال او شود. در مدارس ما به دلایل مختلف از جمله فشار خانواده‌ها، مقایسه شدن از طرف مدرسه و خانواده، آزمون‌هایی چون قبولی در مدارس تیزهوشان و ... سبب افزایش این اختلال شده است. باتوجه به تأثیر منفی که بر دانش‌آموز دارد از جمله افت تحصیلی، ریزش مو، کم‌اشتهایی، تمرکز پایین و ... معلمان در تلاش هستند تا کلاس درس را به محیطی امن و به دور از استرس کنند و از روش‌هایی استفاده کنند که تا حد امکان میزان استرس و اضطراب کاهش یابد و یادگیری افزایش یابد. یکی از راهکارها برای درمان این اختلالات قصه‌گویی است که هم می‌تواند متناسب با تجارب کودک باشد که برای او عینی و قابل درک باشد هم بصورت غیرمستقیم است و هم اینکه علاقه کودک را بر می‌انگیزد و یک روش درمانی است.

۴-۴- کمروبی

یکی دیگر از موضوعات که در مدارس دیده می‌شود و خیلی از افراد به اشتباه آن را اختلال می‌نامند کمروبی است که می‌تواند باعث کاهش رابطه اجتماعی افراد و از دست دادن مواردی از جمله بعضی از مشاغل و کاهش ارتباط با دوستان و ... می‌شود کمروبی است. کمروبی یک مشخصه شخصیتی است که ممکن است در متریان و همچنین کودکان نیز وجود داشته باشد. در واقع یک صفت شخصیتی است و شکلی از گوشه‌گیری اجتماعی یا گوشه‌گیری هیجانی در موقعیت‌های اجتماعی است که ویژگی آن خودمداری بیش از حد و نگرانی در مورد ارزشیابی اجتماعی می‌باشد و پیامد کمروبی نیز منع فعالیت‌های اجتماعی و کناره‌گیری و فرار از آنها است. کمروبی یکی از جدی‌ترین مسائل دوره کودکی و نوجوانی است که از همان دوران اولیه رشد قابل مشاهده است.

خجالت یا کمروبی نشانه‌ای معتبر برای تنهایی، افسردگی، ترس اجتماعی، عزت نفس پایین و بدبینی است (رسولی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴). کمروبی پدیده‌ای است روانشناختی که باتوجه به ضعف و شدت‌اش انواع پیامدهای زیستی و روانی مانند تشدید ضربان قلب، تغییر رنگ چهره، اختلال در تنفس، لرزش بدن و دست‌ان، تغییر درجه صدا، لکنت زبان، خشکی دهان، انزواطلبی، عدم پذیرش، فرار از فعالیت‌ها، عدم دفاع از خود، افت شخصیت، رکود علمی، مشکل دوست‌یابی و جهالت و نادانی را به دنبال آورد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). باتوجه به تأثیر بازدارنده‌ای که کمروبی در روند رشد ایجاد می‌کند و مانع شکل‌گیری هویت سالم می‌شود. معلمان برای داشتن کلاسی فعال و پویا نیاز دانش‌آموزان فعال دارند تا بتوانند بحث را در دست بگیرند و پیش

ببرند دانش‌آموزان کمرو باعث کاهش فعالیت و پویایی کلاس می‌شوند در نتیجه معلم باید برای رفع این مشکل چاره‌ای بیندیشد. قصه‌گویی می‌تواند کمرویی را کودکان و نوجوانان پایین بیاورد. قصه‌گویی به دلیل ایجاد خلاقیت، نوعی روش غیرمستقیم می‌باشد و تاثیر خود را بصورت غیرمستقیم بیان می‌دارد و همچنین به دلیل سربلند بیرون آمدن از بوته آزمایش زمان روشی مناسب و خوب بین روش‌های تدریس محسوب می‌شود. قصه‌گویی با افزایش صمیمیت و اعتماد متقابل بین قصه‌گو و شنوندگان روشی جذاب برای یادگیرنده است. باعث شادی متریان و جلب توجه آنها به مفاهیم درسی می‌شود همچنین باعث تمرکز بیشتر یادگیرندگان و مشارکت فعال آنان در تدریس می‌شود. همچنین این روش یک روش روان‌درمانی مورد استفاده روانشناسان و روانپزشکان می‌باشد.

هدف از استفاده از این روش در تدریس

- افزایش یادگیری دانش‌آموزان؛
- افزایش علاقه آنان به درس و تدریس؛
- خشک و خسته کننده نبودن کلاس؛
- روش درمانی برای کاهش اختلالات و مشکلات رفتاری چون استرس و اضطراب، افسردگی و پرخاشگری و

۱۸۴ ...

- کاهش خصیصه منفی کمرویی؛
 - افزایش مشارکت و تعامل کلاسی؛
 - پرورش نقد و بررسی مسائل.
- در نتیجه با وجود روش‌های مختلفی که برای تدریس وجود دارد اما به دلیل قدمت روش قصه‌گویی، خاصیت درمانی آن و غیرمستقیم بودن آن استفاده درست و به جا از این روش در تدریس باعث کاهش اختلالات روانپزشکی دانش‌آموزان و همچنین افزایش خلاقیت، ابتکار و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. شناخت معلم از اختلال‌ها و مشکلات رفتاری همچنین تسلط بر انواع قصه و روش بیان آن و استفاده به موقع و درست از قصه سبب کمک به معلم در تدریس هرچه بهتر او می‌کند.

۵- پیشنهاداتی جهت یادگیری بیشتر متربی در تدریس معلم

- از قصه در آموزش‌مان استفاده کنیم و آن را در دروس مختلف برای یادگیری اثربخش‌تر و کاهش استرس و اضطراب و کمرویی و پرخاشگری دانش‌آموزان بگنجانیم.
- گروه‌های قصه توسط معلم تشکیل شود و از انواع روش‌های آن برای افزایش خلاقیت متربی استفاده شود.

- معلمان در کلاس‌های ضمن خدمت در زمینه قصه‌گویی شرکت کنند.
 - کتاب‌های مناسب و قصه‌های مناسب مطالعه شود به اندازه‌ای که میزان قصه‌های یاد گرفته شده در حدی باشد که برای موقعیت‌های مختلف قصه مناسب و به‌جا استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

بطور خلاصه روش‌های مختلفی برای تدریس معلمان وجود دارد. معلمان اغلب به دنبال روشی پر بازده و به نسبت ساده برای افزایش یادگیری دانش‌آموزان و درگیر کردن آنان با موضوعات درسی هستند تلاش می‌کنند از روش‌هایی بهره ببرند که تا حد امکان توجه دانش‌آموزان را به درس جلب کرده و باعث علاقه آنها به درس و انگیزه هرچه بیشتر آنها برای مطالعه شود. اصلی‌ترین کنش تعلیم و تربیت این است که، کودکان عادی را به رشد معمول‌شان برساند و کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و عاطفی و ... را تحت مراقبت‌های ویژه قرار دهد و به این طریق مسیر رشد آنها را هموار سازیم. همچنین به دلیل تأثیر بیشتر روش‌های غیرمستقیم نسبت به روش‌های مستقیم مربیان دنبال روش‌هایی هستند که بتوانند بوسیله آن یادگیری دانش‌آموزان را افزایش و نگرانی و استرس آنان کاهش دهد می‌باشند. قدیمی‌ترین روشی که تاکنون سربلند و پابرجا مانده است روش قصه‌گویی است. به نظر می‌رسد شیوه قصه‌گویی نسبت به کار مستقیم با کودکان، به دلیل علاقه وافر آنها به قصه‌ها جالب‌تر و لذت‌بخش‌تر است و در نتیجه توجه کودک را بیشتر و بهتر متمرکز می‌کند. شاید بتوان گفت پدیده آفرینش دوجانبه عمده‌ترین عاملی است که سبب شده هنر قصه‌گویی بتواند بعنوان یکی از قدیمی‌ترین و موثرترین مصادیق هنر جایگاه خود را در جهان پیشرفته امروز حفظ کند و باعث به دام انداختن تخیل شنوندگان که منشا آفرینندگی است، شوند. همه کسانی که قصه می‌گویند یا می‌شنوند با این نظر موافق هستند که هنر قصه‌گویی با نابودی کامل فاصله بسیاری دارد، و این هنر که سال و قدیمی هنوز هم برای افسون کردن قدرت دارد. این ماندگاری و از بین نرفتن آن و همچنین وجود قصه‌های متعدد در قرآن بعنوان کتاب آسمانی همچنین غیرمستقیم بودن این روش و سربلند بودن آن در آزمایش زمان می‌توانند سندی بر اهمیت این روش باشند. باتوجه به تأثیرات مثبت و موثر قصه‌گویی خلاق، افلاطون در اهمیت موضوع فوق می‌گوید: «پرورشی که روح اطفال بوسیله قصه‌ها کسب می‌کنند به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها از طریق ورزش پیدا می‌کنند». او در اهمیت قصه‌ها می‌گوید: «ای کاش کودکان یونان افسانه‌های ازوپ را همراه با شیر مادرشان یکجا می‌نوشتند». قصه‌گویی به کودک کمک می‌کند وقایع چاره‌ناپذیر را شناسایی کند. قصه‌گویی همچنین به کودکان در فهم این نکته کمک می‌کند که دیگران نیز تجربه‌هایی مانند حوادث زندگی او دارند. علیرغم موارد ذکر شده وجود اختلالات یا مشکلات رفتاری که درمان به موقع آنان سبب

جلوگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر در آینده به کودک می‌شود و همچنین روش قصه‌گویی بعنوان یک روش روان‌درمانی که می‌تواند سبب کاهش این اختلالات شود می‌تواند بعنوان روشی تاثیرگذار در تدریس معلم به خصوص در سنین کودکی بکار بسته شود. شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که هم بزرگسالان و هم کودکان می‌توانند از روش قصه‌گویی و قصه‌درمانی بهره‌مند شوند. با این وجود شاید بتوان گفت که به دلیل شرایط خاص دوره کودکی، از نظر توانایی‌های شناختی، کودکان می‌توانند از روش قصه‌گویی و قصه‌درمانی استفاده بیشتری کنند. استفاده از روش‌های هنری مانند قصه‌گویی می‌تواند بعنوان شیوه‌ای نو تنش فضای درمان را برای کودکان کاهش دهد و بعنوان روشی غیردارویی، آسان، ارزان، در دسترس استفاده شود. براساس نتایج پژوهش حاکی از تاثیر شیوه قصه‌گویی و قصه‌گویی همراه با بحث در کاهش پرخاشگری و اضطراب امتحان کودکان بود و نیز باتوجه به علاقه و گرایش کودکان به قصه و تاثیرپذیری کودکان از قصه و همچنین ماهیت آموزشی و جذاب قصه برای قصه به نظر می‌رسد، برنامه قصه‌گویی بعنوان یک برنامه پیشگیری اولیه و آموزش پایه‌های مدارس ما می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. قصه‌درمانی و قصه‌گویی در نقش عامل آموزشی و تربیتی، باعث ترویج و بحث و تبادل نظر در بین کودکان می‌شود و از این طریق مهارت‌های زبانی تقویت شده، کودک در رهگذر ماجراها و شخصیت‌پردازی‌های قصه، با نقاط قوت و ضعف و استعدادهایش آشنا شده و یاد می‌گیرد با دیگران ارتباط مناسب برقرار کند و بتواند احساسات، آرزوها و خواسته‌های خود را بیان کرده و وقتی دچار هیجان‌هایی مانند ترس، خشم، غمگینی، خجالت یا کمرویی می‌شود، بطور مناسبی با آن کنار آمده و آن را به شکل درستی ابراز کند که این خود عاملی جهت غلبه بر احساس کمرویی می‌باشد. استفاده به موقع و مناسب معلمان از قصه سبب افزایش خلاقیت و ابتکار و قوه تخیل کودک همچنین کاهش افسردگی، پرخاشگری، استرس و اضطراب و کمرویی می‌شود.

بطور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که قصه‌گویی خلاقانه بر پرورش هوش اخلاقی مبتنی بر همدلی کودکان موثر است و باید با تقویت درست این رفتار کودک را در مسیر درست اخلاقیات قرار داد؛ لذا اگر این روش توسط کتابخانه‌ها، کانون‌های پرورش فکری، مدارس و مرکز آموزشی و پرورشی و یا روانشناسی مورد استفاده مستمر قرار گیرد؛ می‌توان به داشتن آینده‌ای پویا، بالنده و اخلاق‌مداری امیدوار بود و تجربه کتابداران، بویژه کتابداران کودک و نوجوان و آشنایی آنان با شیوه‌های علمی قصه‌گویی می‌تواند در این زمینه مثمر باشد. در واقع بدلیل اکتسابی بودن هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن می‌توان به راحتی این روش را در زمره تعلیمات روزمره و هیجان‌انگیز کودک قرار داد، که به احتمال بالا نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار آینده نیز خواهد بود. در ادامه می‌توان این نکته را اضافه کرد که به علت انجام پژوهش در فصل تابستان و تعطیلی مدارس و روش نمونه‌گیری در دسترس و همچنین آزمون کودکان یک منطقه و نیز فقط پسران برای تعمیم نتایج به گروه‌های دیگر کودکان دبستانی، دیگر مناطق و کودکان دختر باید جوانب احتیاط علمی را رعایت

کرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش عدم امکان آموزش‌های لازم در رابطه با قصه‌های هر جلسه به خانواده‌ها بود که طبیعتاً اگر صورت می‌پذیرفت نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف آموزشی پژوهش داشت. اگر هم بتوان دیگر فعالیت‌های جنبی کتابخانه‌ای همچون نمایش خلاق انواع بازی و نقاشی و جلسات کتابخوانی و غیره را برای بهبود مهارت‌ها در زمره پژوهش‌های آتی مورد آزمون قرار داد و نتایج را به اطلاع خانواده‌ها رساند؛ می‌شود، به همکاری و ارتباط بیشتر خانواده‌ها و جامعه آموزشی کتابخانه‌ای امید بیشتری داشت.

فهرست منابع

- ۱- چگنی، گلنوش و چگنی، محبوبه (۱۳۹۵)، «اثربخشی قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری و اضطراب امتحان در پسران پرورشگاه‌های شهر رشت»، **فصلنامه کتابداری**، س ۱۱.
- ۲- خدام، حمیرا و دیگران (۱۳۸۸)، «اختلالات رفتاری و برخی عوامل مرتبط با آن در کودکان سن مدرسه شهر گرگان»، **فصلنامه مدیریت**، س ۲، ش ۳.
- ۳- درستی، رقیه و زارعی، حیدرعلی (۱۳۹۶)، «تأثیر قصه‌گویی قصص قرآنی بر سازش یافتگی کودکان پیش دبستانی»، **فصلنامه کتابداری**، س ۵، ش ۱۶.
- ۴- ذکریایی، منیژه و دیگران (۱۳۸۷)، «بررسی اثر اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش (خلاق) بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی منطقه ۵ شهر تهران»، **فصلنامه مدیریت**، س ۲، ش ۱.
- ۵- رادبخش، ناهید و دیگران (۱۳۹۲)، «اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان»، **فصلنامه خلاقیت**، ش ۴.
- ۶- رسولی، رویا و دیگران (۱۳۹۷)، «اثربخشی آموزش هوش هیجانی به روش قصه‌گویی بر کاهش کمرویی و ارتقای هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر»، **فصلنامه مدیریت**.
- ۷- زارعی، خدیجه و دیگران (۱۳۹۲)، «تأثیر قصه‌گویی بر اضطراب فیزیولوژیک، نگرانی و اضطراب اجتماعی کودکان سن مدرسه بستری در بیمارستان»، **فصلنامه پرستاری داخلی**.
- ۸- شیبانی، شهناز و دیگران (۱۳۸۵)، «تأثیر قصه درمانی بر کاهش علائم افسردگی در کودکان افسرده»، **فصلنامه کودکان استثنایی**، ش ۴.
- ۹- صالحی، مریم و دیگران (۱۳۸۶)، «اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان و علل آن»، **فصلنامه کودکان استثنایی**، ش ۶.
- ۱۰- فیض‌آبادی، زهره (۱۳۸۶)، «اختلالات یادگیری، تعلیم و تربیت استثنایی»، **دوماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی**، ش ۶.

- ۱۱- قشقایی، صغری (۱۳۹۵)، «اثربخشی قصه‌گویی بر افسردگی و پرخاشگری کودکان پیش دبستانی»، **فصلنامه اصول و بهداشت روانی**، ش ۱۸.
- ۱۲- گنجی، حمزه و امیریان، کامران (۱۳۹۱)، «اثربخشی آموزش الگوی خوش‌بینی به روش قصه‌گویی بر افزایش پیشرفت تحصیلی در کودکان دبستان»، **فصلنامه مدیریت**، ش ۷.
- ۱۳- گودرزی، نسرین و دیگران (۱۳۹۳)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی بر میزان کمروبی دانش‌آموزان»، **فصلنامه کودکان استثنایی**، ش ۱۰.
- ۱۴- لویمی، فاطمه و صفرزاده، سحر (۱۳۹۵)، «اثربخشی قصه درمانی بر کمروبی، افسردگی و عزت نفس کودکان پیش دبستانی شهرستان اهواز»، **فصلنامه اصول و بهداشت روانی**، ش ۱۲.
- ۱۵- نصیرزاده، راضیه و روشن، رسول (۱۳۸۹)، «تاثیر قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری پسران ۶ تا ۸ ساله»، **فصلنامه پرستاری داخلی**، ش ۷.
- ۱۶- نصیرزاده، راضیه و روشن، رسول (۱۳۸۹)، «مقایسه دو رویکرد قصه‌گویی در کاهش مولفه‌های رفتار پرخاشگرانه از دیدگاه والدین»، **فصلنامه کودکان استثنایی**، ش ۸.
- ۱۷- هارون رشیدی، همایون و مرادی‌منش، فردین (۱۳۹۳)، «مقایسه تحول زبان کودکان دارای اختلالات یادگیری کلامی و کودکان دارای اختلالات یادگیری غیرکلامی»، **فصلنامه ناتوانی‌های یادگیری**، ش ۳.
- ۱۸- یوسفی لویه، معصومه و دیگران (۱۳۸۷)، «تاثیر قصه درمانی بر کاهش نشانه‌های اختلال‌های اضطرابی دانش‌آموزان مظطرب پایه چهارم ابتدایی»، **فصلنامه مدیریت**، ش ۹.